



نگاه دوباره به یک مسئله

چند هفته‌ای از اهانت رئیس‌جمهور فرانسه به پیامبر اسلام به بهانه‌ی آزادی بیان می‌گذرد. حال که هیجانات در این باره خوابیده است بهتر است نگاهی دوباره به موضوع داشته باشیم.

به عقیده ما مسلمانان، پیامبر کامل‌ترین انسان از بدو خلقت تا آخر الزمان است و این یعنی اوست فردی که تمامی استعدادهای خویش را به عرصه ظهور رسانده است. اما وجه دیگری از پیامبر، کمک او به رشد و پرورش سایر انسان‌هاست. حتی این دایره از عرصه مسلمانان فراتر رفته و به ایشان لقب «رحمه للعالمین» داده‌اند. للعالمین یعنی نه تنها برای مسلمانان بلکه برای تمامی جهانیان. پس می‌توان گفت پیامبر یکی از مخازن و مظاهر کامل رشد همه‌جانبه است.

طبق تعریف آزادی، ما اجازه نداریم مانع رشد دیگران شویم. حال به همین بهانه اجازه داریم به یکی از مخازن و مظاهر رشد توهین کنیم؟! پارادوکس عجیبی است.

نگاه به مسئله پوشش

به عنوان یک مسلمان ایرانی ممکن است به تناقض ظاهری که میان انتخاب پوشش و قانون حجاب وجود دارد برخورد داشته باشید. حجاب و پوششی که حکومت و حتی دین بر ما اجبار کرده است. ابتدا به مسئله حجاب بپردازیم. آیا با وجود آیه «لا اکراه فی الدین» این تناقض و اجبار قابل دفاع است یا خیر؟

مثالی بزنیم. فرض کنید رتبه کنکور شما به گونه‌ای است که می‌توانید بین دانشگاه‌های برتر تهران انتخابی داشته باشید. با توجه به شرایط خویش، دانشگاه خود را برمی‌گزینید. حال شما دانشجوی آن دانشگاه هستید.

در این دانشگاه قانونی وجود دارد که محدودیت تعداد ترم (سال‌های مجاز تحصیلی) به شما خواهد داد. شما به خاطر انتخابی بودن دانشگاه نمی‌توانید این قانون را اجرا نکنید.

انتخاب هر سیستمی نیز همین‌گونه است. پس از ورود به هر سیستم، دانشگاه، دین و مذهب و... نمی‌توان قوانین آن را انتخابی اجرا کرد. حجاب نیز از همین دسته احکامی است که در داخل سیستم و برای هر فرد مسلمان مشخص و معین است.

در قانون اساسی کشور ما و به عنوان یک کشور با حکومت اسلامی، این حکم نیز توسط حاکم اسلامی (شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی) به صورت یک قانون درآمده و اجرای آن برای تمامی ساکنان آن الزامی است.

در این جامعه ممکن است تعدادی غیرمسلمان نیز حضور داشته باشند. این افراد چون شهروند جمهوری اسلامی هستند ملزم به اجرای قوانین آن هستند هر چند به آن اعتقادی نداشته باشند. تمامی قوانین نیازی به اعتقاد ندارند؛ (مثلاً قوانین راهنمایی و رانندگی) اما باید اجرا شوند تا جامعه سالم بماند. هر چند اجرای همراه با اعتقاد باعث می‌شود بهره‌خواری هم داشته باشد.

نگاهی دوباره به پوشش و حجاب، پوشش؛ فردی یا اجتماعی؟

یکی از دوگانه‌های غلط زندگی ما همین است. یک موضوع یا فقط فردی است یا فقط اجتماعی؟ نمی‌تواند شامل هر دو باشد؟ تصمیم یک

کوچه دست و پا بسته

فاطمه اشرفی، ۹۷ میم‌شیم

«آزادی» از دسته مسائلی است که همیشه و در هر مکانی قابلیت پرداختن دارد و جالب آنکه هر چه جلوتر می‌رود، باب‌های تازه‌تری به روی آن بازمی‌شود. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که به آن، نگاهی انداخته و در یک بعد خاص نیز آن را بررسی کنیم.



آزادی یعنی چه؟

یکی از سخت‌ترین و درعین حال عام‌ترین سوال‌ها همین سوال است. آزادی را به معنای مختلف تفسیر کرده‌اند: محدودیت‌نداشتن برای انجام کارهای مختلف و متفاوت، در بند قوانین، آداب و رسوم و... نبودن، رها بودن و...

طبق سخن شهید مطهری «عدم وجود هر گونه مانع و محدودیت در رشد خود و دیگران» آزادی نامیده می‌شود. در این تعریف دونگه وجود دارد. (یک) رشد، (دو) توجه هم‌زمان به خود و دیگران.

رشد یعنی پرورش استعدادهای درونی برای رسیدن به هدف. اما نکته دوم که مهم‌تر نیز هست، توجه به رشد و تهدید نکردن آزادی دیگران توأم با آزادی و رشد خود است. با این توضیح، بسیاری از فعالیت‌های به‌ظاهر آزادانه زیر سوال خواهند رفت؛ به عنوان مثال اگر تحصیل وابسته به سرمایه‌ی مالی شود، مانع رشد افراد با استعداد ولی بی‌بضاعت خواهد بود.

محدودکنندگان آزادی

«آزادی خود محدودکننده آزادی است.» خود آزادی با تعاریف آن، جلوی بی‌قانونی، بی‌مرزی و بی‌بندی را خواهد گرفت. وقتی آزادی انسانی است که در چهارچوب بگنجد. به همین دلیل شهری که در آن بی‌قانونی باشد، از شهری که قوانین بدی دارد بدتر است و اگر در جایی انجام ندادن قانون مرسوم شود، این شهر به انحطاط خود نزدیک می‌شود.



نخبه برای انتخاب رشته آینده خویش در دایره امور فردی اوست که اگر درست انجام شود باعث کمک به اجتماع خواهد شد. پس مسئله اجتماعی نیز هست.

حجاب و پوشش نیز از همین دسته مسائل است که تاثیر خود را بر اجتماع، خانواده و خود فرد نیز می گذارد.

آسیب شناسی حجاب

پوشش در دسته بندی رفتارها قرار می گیرد. هر رفتار اصیل، تکرار شونده و ریشه داری برای اجرا نیاز به سه قدم دارد: (۱) پذیرش مبانی عقلی، (۲) ارتباط قلبی و احساس خوشایند نسبت به انجام آن، (۳) عمل و انجام رفتار.

در آسیب شناسی بحث حجاب می توان گفت در هر سه جنبه ضعیف عمل کرده ایم. نه در خانواده ها به خوبی مبانی فکری آن آموزش داده می شود، نه در مراکز عالی و مدارس. در ارگان های مربوطه (مثلا صدا و سیما) الگوهایی با حجاب برتر که به فعالیت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، ورزشی و... خود ادامه داده اند و موفق هم شده اند معرفی نمی شوند و حتی در مقام عمل پیدا کردن لباس مناسب به پیدا کردن سوزن در انبار گاه می ماند.

ریشه های حجاب

همه ما در وجود خود از تذکر بیزاری می جویم. این به خاطر وجود حیا در فطرت انسانی ماست. حیا همچون ملکه ای است که در وجود تک تک ما قرار دارد و با هر تذکر غرور او می شکند. حیا باعث می شود ما در مسائل قانونی و عرفی از مرزها تخطی نکنیم. یکی از مظاهر هزار گانه حیا، حیا در عفاف است. عفاف نیز خود پنج بخش دارد: یک) پوشش، دو) راه رفتن، سه) نگاه کردن، چهار) صحبت کردن، پنج) آرایش کردن و آراستن خویش.

برای حل مشکل حجاب نمی توان از ابتدا با خود حجاب روبه رو شد، زیرا معلول یکسری علت هاست و قبل از آن باید ریشه های حیا در جامعه را تقویت نمود که خود متن جدا گانه ای می طلبد.

با نگاهی به سخنان دکتر علی غلامی

کوچه

مستند

گردآورنده پریان خضریو، ۹۸ ارشد ریاض

مستند: Jashoa: teenager vs. superpower

کارگردان: Joe Piscatella

محصول کشور آمریکا ۲۰۱۷

داستان: دانش آموزی لاغر و عینکی که در مقابل عهد شکنی حزب کمونیست چین ایستادگی می کند.

این مستند به بررسی دوران فعالیت اجتماعی یک دانشجوی اهل هنگ کنگ می پردازد که از سن ۱۳ سالگی نسبت به دخالت های چین حساسیت پیدا کرده و تبدیل به نمادی برای حمایت از دموکراسی شده است. «جاشوا وانگ» برای آزادی مکانی که در آن زندگی می کرد، مبارزه می کند.

زمانی که هنگ کنگ بعد از ۱۵۰ سال فعالیت به عنوان یکی از مستعمرات بریتانیا به چین بازگردانده شده بود، جاشوا هنوز به دنیا نیامده بود.

چین کمونیست، با خیال ترس مردم هنگ کنگ از این جریان، وعده ی استقلال را داده بود که حتی از مهاجرت نخبگان منطقه نیز جلوگیری می کرد و همچنین در سال ۲۰۱۲ خواستار پایه گذاری نظامی به نام «آموزش ملی» بود تا در پی آن بتواند با «تفکرات غیر میهن پرستانه» در جوانان مبارزه کند؛ در آن سال جاشوا نیز گروهی از فعالین اجتماعی را تشکیل داد تا با این کار مخالفت کند.

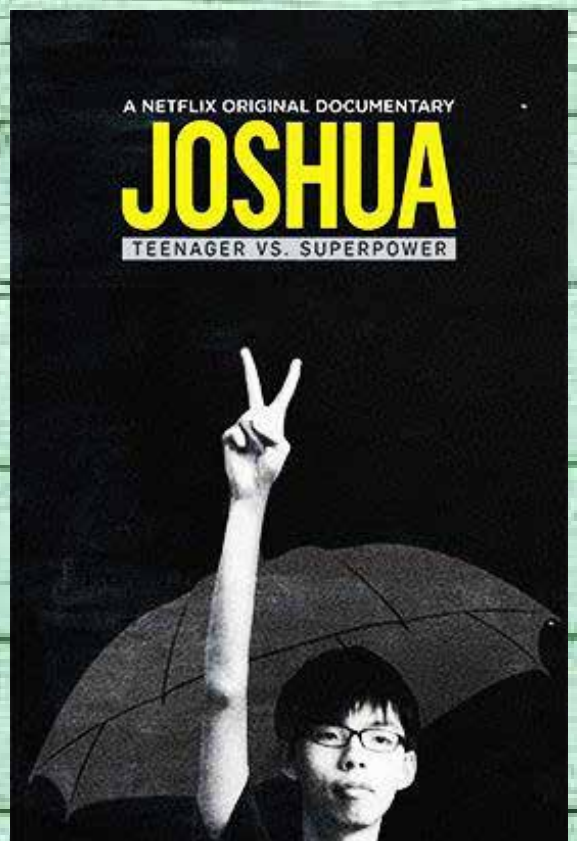
سازمان اسکولاریسم نیز که بنیانگذار آن، جاشوا و یاران دانشجویی بودند؛ با فعالیتهای محدود دانشجویان پا گرفت.

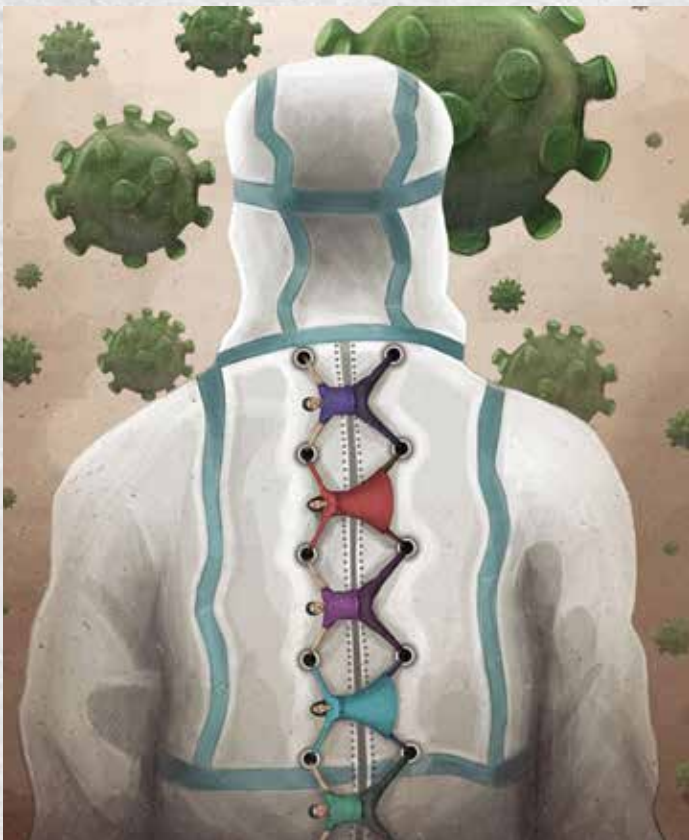
در آن زمان «وانگ» با «لئون چون بینگ»، رئیس اجرایی منطقه ی هنگ کنگ، برخوردی داشته که باتوجه به رد درخواست متوقف ساختن «برنامه ی شستشوی مغزها» از سوی لئون، اعتصابی از طرف دانشجویان سرگرفت؛ که باعث عقب نشینی پکن از سیاستش شد.

در پی این پیروزی و نقش مهمی که در جنبش هایی (مانند جنبش استاد حقوق دانشگاه به نام بی تار) به دست آورده بودند؛ باعث حساسیت هایی نسبت به وانگ و یارانش شد که تعقیب پلیس و ناپدید شدن بعضی از فعالان سازمان را در پی داشت، که در پایان باعث تغییر نام از «اسکولاریسم» به «دموسیستو» گردید.

در واقع این تغییر را می توان علت بالغ شدن وانگ و یارانش دانست که در آن به مبارزاتشان برای استقلال هنگ کنگ ادامه دادند؛ این کار را با معرفی نامزدهای انتخاباتی برای پست هایشان آغاز کردند.

در فیلم «جاشوا»، نوجوانی در برابر یک ابر قدرت، وانگ را می توان مانند شخصیت یکی دیگر از فیلم های جشنواره فیلم ساندنس ۲۰۱۷ دانست؛ که او نیز پسر بچه ای عجیب و خستگی ناپذیر بود تا حدی که شخصی که از فعالیت های او تعجب کرده و ترسیده بود، به او لقب «ریات» داده بود. در این فیلم کارگردان «پیسکاتلا» و تدوینگرش «متیو سلتان» با ترکیب اخبار و ویدیو هایی که با تلفن همراه گرفته شده بود؛ سعی کردند تصاویر هیجان انگیز از وانگ خستگی ناپذیر و یارانش، نشان دهند، که تداعی کننده ی ماجرا باشد. در پایان این فیلم را می توان فیلمی مملو از اثر گذاری دانست.





طراح: علی رسترو

کوچه قفس‌های آزاد

راحه قربان، دبر آزاد پیشه مستقل یاجوج

شاید هر کدام از ما تعریف‌های متفاوتی از آزادی داشته باشیم. یکی آزادی را مرز بندی کرده و دیگری مرزی برای آزادی قائل نباشد و یکی هم هر رهایی را آزادی بگوید، یکی آزادی را وسیله قرار دهد و دیگری آزادی را بهانه. تعریف‌ها متفاوت می‌شود، تعبیرها گوناگون، بگذریم و برسیم به چند سوال:

آیا اندیشه انسان‌ها مرز مشخصی دارد؟

کدام یک از ما مرزی برای اندیشه‌هایمان مشخص کردیم؟

من مرزها را تعیین کردم یا در زندان اندیشه‌ی دیگران مجبور به تعیین مرز شدم؟

من آزادم انتخاب کنم یا مجبورم انتخاب کنم؟

قصدمان بازی با کلمات نیست؛ اینجا مرزی دیده نمی‌شود! شاید این بی‌مرزی علت وجود زنجیرهاست. تعیین مرز آغاز آزادی است!

آزادی ذیل انسانیت معنا می‌شود، حد و مرز آن فطرت انسانی است، هر جا این فطرت زیر سوال رفت قطعاً ولنگاری هست و نه آزادی. به تنهایی یک ارزش نیست بلکه کنار سایر ارزش‌ها اعتبار پیدا می‌کند.

ما باید اندیشه را آزاد کنیم. اینکه می‌گوییم آزادی اندیشه، یعنی اندیشه ما آزاد است به هر جایی سرک بکشد و به هر شیوه‌ای بیانیشد؟ قطعاً خیر. آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال ترسیدن،

به تشویق و تعریف این و آن هم نگاه نکردن، آزادی واقعی فکرهاست. آزادی فکرها تعصب‌ها و جانب‌گیری‌های بی‌مورد را در بند می‌کند

و دیدها را هم آزاد می‌کند. وقتی فارغ از تعصبات بی‌مورد خوب گوش دهیم، دربارۀ‌ی شنیده‌ها فکر کنیم و بدون در نظر گرفتن مواضع خودمان، بهترین را انتخاب کنیم، آزاداندیشی در رفتارمان بروز پیدا کرده

است. آزادی در اندیشه اتفاق می‌افتد و در رفتارها و کردارها و سبک زندگی و... نمود پیدا می‌کند چراکه آزاداندیشی یک فرهنگ است و

نه یک شعار و وسیله.

چند هفته‌ی گذشته، رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا گفت: رفت و آمد مردم بر مبنای حقوق شهروندی آزاد است اما نباید به سلامت جامعه لطمه بزنند. (۱)

با شنیدن این جمله اولین چیزی که به ذهنم رسید، تاثیر آزادی‌های هر فرد روی دیگران بود. به این فکر کردم که آقای رئیس‌جمهور کاملاً درست می‌گوید. ما در حیطه‌ی حقوق انسانی و شهروندی خود، آزادی‌هایی داریم. اما آیا این گزاره مجوز این نیست که ما هر کاری را انجام دهیم. حداقل در این ۹ ماه آموخته‌ایم که ما آزاد نیستیم به هر شکلی به هر جایی برویم. چرا که ممکن است باعث ابتلای خود یا دیگران به این بیماری منحوس بشویم. اما دوباره سوالی ذهنم را برای واکاوی بیشتر قلقلک می‌داد. ما برای چه پروتکل‌های بهداشتی را رعایت می‌کنیم؟ برای یافتن پاسخ کافی بود با دقت بیشتری مصاحبه‌های تلویزیونی را گوش کنم. اغلب مردم به این خاطر ماسک می‌زدند که خودشان کرونا نگیرند و درصدی هم احتمال نمی‌دادند که ناقل ویروس باشند و برای حفظ سلامتی دیگران ماسک بزنند. راستش انگیزه‌ی درونی خودم هم همین بود، اینکه من مبتلا نشوم! هر چقدر هم که رسانه‌ها روی ماسک زدن بخاطر دیگران تاکید می‌کنند؛ اما همچنان ما تنها بخاطر خودمان ماسک می‌زنیم. در واقع اینطور بنظر می‌رسد که ما انسان‌ها آزادی برخی «رفتارهای خود» را برای حفظ سلامتی خود و تضمین آزادی‌های آینده، محدود کرده‌ایم و کمتر کسی بخاطر سایر انسان‌ها از آزادی‌اش گذشته است.

برای برخی اما این آزادی آنچنان مهم بود که حتی بخاطر سلامتی خودشان هم محدودش نکرده و با وجود افزایش مبتلایان و مرگ و میر، همچنان راهی شمال می‌شدند. بعید می‌دانم این افراد حتی لحظه‌ای به این فکر کرده باشند که ممکن است با ورودشان به یک مغازه‌ی محلی، ویروسی را که به شمال سوغات برده‌اند؛ مهمان خانواده‌ای کنند. برای این دسته از افراد شدیداً فردگرا، آزادی هیچ چارچوبی ندارد و اصلاً برایشان مهم نیست که آزادی فردیشان در سفر کردن، چه تاثیری روی جامعه‌ی مقصدشان می‌گذارد. نتیجه‌ی رفتار چنین افرادی هم بود که سرانجام دولت را به سمت اعمال محدودیت‌های بیشتر سوق داد. هرچند این اندازه از خود محوری هنوز در ایران همه‌گیر نشده‌است؛ اما دیدن این افراد می‌تواند زنگ خطر برای آینده‌ی فرهنگی کشور باشد.

مردمانی که فقط به خود و آزادی‌های فردی خود فکر کنند، مردمانی که متوجه نباشند سایر افراد نیز حقوق و آزادی‌هایی مشابه آن‌ها دارند و بی‌قید عمل کردن در جامعه تبعات منفی برجای می‌گذارد؛ قوانین نیز برایشان کم رنگ می‌بازند. آن‌ها پتانسیل این را دارند که چراغ قرمز را رد کنند چون دیرشان شده‌است (و عابری که جانش به لبش می‌رسد مهم نباشد)، برای اقوام خود پارتی بازی کنند (چون آزادند پرونده‌ی هر که را خواستند زودتر رد کنند برود مرحله‌ی بعد) و حتی بدون در نظر گرفتن تاثیری که بر سلامت روانی دیگر افراد می‌گذارند؛ با هر ظاهری در جامعه حاضر شوند.

من فکر می‌کنم کرونا یک توفیق اجباری باشد تا روی تاثیر رفتارهایمان بیشتر تأمل کنیم. این روزها حتی فرصت خوبیست تا انجام دادن/ندادن کاری را بخاطر دیگران - نه خودمان - تمرین کنیم. مثلاً بیاید از فرادی خواندن این متن، هر بار خواستیم از خانه خارج شویم، جلوی آینه به خودمان بگوییم: من برای آنکه راننده تاکسی کرونا نگیرد ماسک می‌زنم! و یا این بار که خواستیم از فروشگاهان مترو خرید کنیم توی دلمان بگوییم: من برای اینکه این فروشنده خوشحال بشود، این جوراب را می‌خرم نه بخاطر اینکه من به آن نیاز دارم. و حتی کامل‌تر خومان را پپوشانیم نه به این خاطر که من سردم نشود، به این خاطر که قانون خدا را رعایت کرده باشیم....



لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران، آیه ۱۸۶)

در اموال و جان‌های خویش آزمایش می‌شوید و از اهل کتاب و مشرکان آزار و اذیت بسیار خواهید کشید و اگر صبر کنید و تقوی پیشه کنید این از استواری کارهاست.

سلام و عرض ادب به جمیع ساجدان حق و پویندگان راه حقیقت. سلام به همه انسان‌هایی که از آدم تا خاتم و از خاتم تا ظهور حضرتش سر اخلاص و عبودیت به پیشگاه عزتش فرود آوردند و فارغ و سبکبال از هر گونه خودی و خودپرستی تنها به او و اجرای اوامر و احکام او کمر بستند.

سلام به انسان‌هایی که مصداق راستین عبودیت و بندگی و ایثار و فداکاری هستند و در دنیا کاشتند تا در آخرت بدروند و دیگران نیز از محصول عشق و دلدادگی آنها به پیشگاه معشوق منتعم شوند و این کاروان عشق و اخلاص و هنوز هم در حرکت است و در صحرای پرفراز و نشیب تاریخ بی باک به پیش می‌تازد و دلیرانه به لشکر کفر و ظلمت یورش می‌برد و صدای تکبیرشان از حلقوم خونبار تاریخ به گوش می‌رسد و نمای آزادی‌طلبشان از بطن اوراق نمایان است و این شاهدان حقیقت در خون خود برای رسیدن به پیشگاه عزتش شنا می‌کنند و با بال‌های عشق اخلاص در آسمان دیانت پرواز می‌کنند.

هنوز راهیان راه حسین(ع) می‌روند تا با خون خود معنی شرف و آزادگی و جوانمردی را به همه نسل‌ها در همه اعصار بیاموزند. می‌روند تا با لقای خود به معبود خویش انسان را رهایی بخشند و بگویند که راه رستگاری انسان ایمان به یگانگی خداست و ما از میان اوراق پاره تاریخ صدای راسای مجاهدان راه خدا را با گوش و جان می‌شنویم و با رهبری واحد آگاهانه در راهش گام برمی‌داریم تا کمکی باشیم به فعلشان و گواهی بر راهشان شویم تا شاید مورد رضایت الهی واقع شویم.

پدر و مادر عزیزم بدانید این راهی که من انتخاب کردم با آگاهی است و راهی است که سرور شهیدان حسین بن علی(ع) در آن راه به شهادت رسیده است و با استقامت و صبر و شکیبایی از انقلاب اسلامی دفاع کنید که راه خدا بهترین و برترین راه است و ان شا الله با تربیت فرزندان پوینده این راه باشید و اگر مشتاق سعادت و سرفرازی فرزندان هستید بدانید که شهادت من وسیله‌ای است که مرا به آرزویم رسانده و ان شا الله که پروردگار شما را در صف خدمتگزاران قرار بدهد.

خواهران و برادران عزیزم، ان شا الله شما پاسدار اسلام هستید و باشید و در همه لحظات به فکر خدمت به اسلام باشید و همیشه دفاع از روحانیت اصیل کنید که همان دفاع از اسلام است.

و شما برادرانم سعی کنید در جبهه‌های نبرد حضور پیدا کنید تا در روز محشر موقعی که رو در روی رسول خدا(ص) و خدمتگزاران توحید قرار می‌گیرید سرفراز و سربلند باشید.

و ای ملت مسلمان ایران با فهم عمیق گوش به سخنان امام عزیز باشید و ایشان را تنها نگذارید که ایشان نعمتی است الهی از جانب پروردگار به سوی ما.

و جنگ را مسئله اصلی خودتان قرار دهید کسانی که قادر هستند به جبهه بروند و در جبهه حضور پیدا کنند و کسانی که قادر نیستند در پشت جبهه به فعالیتشان ادامه دهند که دفاع از اسلام همان خط انبیا و اولیا خداست.

والسلام

شهید احمد خرمی شاد، جانشین گردان عمار یاسر

تاریخ شهادت ۱۳۶۳/۱۲/۲۲

عملیات بدر، شرق دجله